

## بسم الله الرحمن الرحيم

### سوره مبارکه فلق

#### قسمت اول

قرار بود از زاویه خدا به زندگی مان نگاه کنیم و سوره‌ی فلق، ببینیم خدا در این سوره چه جوری نگاه کرده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق

ا، مگه همه چی می‌تواند شر داشته باشد؟ از شر هر چیزی که خلق شده است. واقعا هر چیزی که خلق شده می‌تواند شر داشته باشد؟ البته موضوع مشکلی نیست یک کم فکر کنید مثلا چاقو. یک وقت با چاقو سیب پوست می‌کنید. به به خیلی کار خوبی است، خیلی هم خیر است. یک وقت هم با چاقو، پوست دیگه‌ای رو می‌کنیم، یک وقت هم شکم یکی را سفره می‌کنیم. خب اینها همه‌اش استفاده‌های دیگه‌ای از آن چاقو است. در هیچکدام از این دو تا حالت، چاقو هیچ فرقی نکرده چی فرق کرده است؟ استفاده‌ی ما از آن فرق کرده است. پس اینکه می‌گوییم هر چیزی می‌تواند شر داشته باشد، بله هر چیزی می‌تواند شر داشته باشد؛ چون ما انسان‌ها اینقدر انسان‌های جالبی هستیم -البته این خودش، کار خدا بوده که اختیار به ما داده- می‌توانیم از هر چیزی هر جور که دلمان خواست استفاده کنیم حتی می‌شود از قرآن جوری استفاده کرد که به قول خود قرآن بشود "و ما یزید الظالمین الا خسارا" جز خسران نداشته باشد. پس بله از هر چیزی می‌شود استفاده‌ی شر کرد، چون ما انسان‌ها جوری آفریده شدیم که این کار را بکنیم. یک نتیجه‌گیری: اگر بناست، نگوییم بناست؛ اگر اینجوری است که ما می‌توانیم از هر چیزی استفاده‌ی شر ایجاد کنیم، پس اگر ما نواقص وجودی مان برطرف شود و آدم‌های کاملی بشویم استفاده‌ی شر از اشیاء هم کمتر می‌شود.

. پس من اینجوری بگویم یک راه بسیار بسیار مهم برای اینکه انسان از شرور در امان بماند، یک نکته‌ی استراتژیک -حالا می‌توانیم بگوییم نظامی، غیر نظامی- در همه‌ی عرصه‌ها قابل استفاده، اگر کسی نواقص خودش را برطرف بکند شرور هم دامن گیرش نمی‌شود.

حالا می‌شود گفت چرا اول این سوره می‌گوید قل اعوذ برب. چون رب یعنی آن کسی که هر موجودی را به سمت کمالش سوق می‌دهد. بله اگر ما از ربوبیت خدا استفاده کنیم و به سمت کمال برویم، بنا بگذاریم نواقص خودمان را برطرف کنیم، هیچ شری دامنگیر ما نمی‌شود. شاید این تعبیری باشد برای همان عبارتی که خیلی از

آقایان و قدما مطرح کردند که "الخیر فی ما وقع" برای آدمی مثل پیامبر که همه چیزش سرجایش است هر اتفاقی خیر است. حالا اینکه چرا در این سوره بحث فلق مطرح شده بماند واسه‌ی برنامه‌ی بعدی تا بگوییم نقش فلق و سپیده دم اینجا چیست.

## قسمت دوم

داشتیم در مورد سوره‌ی فلق و زاویه دیدی که این سوره به ما می‌دهد صحبت می‌کردیم.

در برنامه‌ی قبلی گفتیم که، هرچیزی می‌تواند شر داشته باشد چون ما می‌توانیم از هرچیزی بد استفاده کنیم. اگر کسی نواقصش را برطرف کند در نتیجه شرور دامنگیرش نمی‌شود.

حالا چرا رب فلق؟ بیایید یک تصویر در ذهن خود بسازید. حالا آن‌هایی که می‌توانند با چشم باز، نمی‌توانید هم چشم‌تان را ببندید:

یک بیابان تاریک تاریک درندشت بدون مهتاب. نمی‌دانم رفتید یا نه؟ ولی از آن بیابان‌هایی که وقتی دستت را جلوی صورتت تکان می‌دهید حتی دست خودت را هم نمی‌بینی. چه اتفاقی می‌افتد؟ در دل تاریکی شب که آدم نمی‌داند، مسیرش کدام طرفی است؟ کجا باید برود؟ کسی اطرافش هست؟ آن وقت در یک چنین شرایطی، در افق یک خط سفید می‌افتد، فلق، سپیده دم. چه حسی به این آدم دست می‌دهد؟ چه حسی به شما دست داد اگر این تصویر را در ذهن‌تان آوردید؟ آدم خوشحال می‌شود، آدم می‌پرد بالا، ذوق می‌زند جهتش را پیدا می‌کند. می‌دانید همه‌ی حس‌های خوب امید بخشی که ممکن است به ذهن‌تان برسد یا حس بکنید، برمی‌گردد به یک نکته؛ آدم می‌فهمد یک نشانه به او می‌گوید، دارد می‌گذرد. یک نشانه، او را از یک حرکت با خبر می‌کند و همه‌ی راز این شادی‌ها در همین حرکت است؛ که آقا این شب می‌گذرد و روزها می‌آید.

حالا، خدا رب فلق است. یعنی رب نشانه‌هایی که حرکت را به ما نشان می‌دهند. یادتان می‌آید گفتیم اگر کسی به سمت کمال برود، نواقصش را برطرف کند؛ در نتیجه شرور دامنگیرش نمی‌شود.

خدا، برای اینکه، ما این حرکت به سمت کمال را بکنیم، در زندگی کلی نشانه قرار داده است.

نشانه‌های مختلفی که به ما می‌گویند، نایستی‌ها! که اگر بایستی، چون به سمت کمال نرفته‌ای می‌توانی از هرچیزی استفاده‌ی نادرستی بکنی. ولی زمانی شما با خودتان این کار را بکنید، یک چیزی را بردارید پرت کنید بالا، بعد این می‌افتد پایین. چه اتفاقی می‌افتد که این می‌افتد پایین؟

بچه‌های ریاضی که سریع باید بگویند، بقیه هم در دوران تحصیل حتما خوانده‌اند. همان قاعده‌ی وی نقطه‌ی اوج برابر است با صفر. بله، این شیء سقوط می‌کند چون در نقطه‌ی اوج سرعتش صفر می‌شود. اگر هیچ وقت سرعتش صفر نشود؛ هیچ وقت هم سقوط نمی‌کند. اگر ما هیچ وقت از حرکت نیفتیم هیچ وقت هم سقوط نمی‌کنیم.

## غرض سوره مبارکه فلق

**گوینده:** از جایی که ایستاده‌ای تا حقیقتی که با چشم‌هایت در جستجوی آنی، راه درازی ست. باید برای پاهایت مشق رفتن بخوانی، باید از پستی‌ها و بلندی‌های راه برایش بگویی. باید رسم یک نفس رفتن، نا امید نشدن، خسته نشدن و گله نکردن را به او بیاموزی. باید پیش از قدم گذاشتن در راه از زبان نشانه‌ها حرف بزنی. باید به او بگویی، حواست که به نشانه‌ها باشد هیچوقت هیچوقت از راه رفتن نمی‌ایستی.

### استاد چیت چیان:

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه فلق، حکایت پناه بردن به ربوبیت خداوند تبارک و تعالی از تمامی شروری که ممکن است انسان را به خود مشغول کنند است. شروری که موجب می شود تا انسان ها دچار اشتباه شوند. سوره مبارکه فلق آمده است تا برای همیشه ما را از شروری که باعث زمین گیر شدن ما است و باعث توقف مسیر کمال ما می شوند نجات دهد. فهم ربوبیت خدا و فهم این مطلب که من باید دائم در مسیر خداوند تبارک و تعالی در حال حرکت باشم، موضوع سوره مبارکه فلق است. این می‌تواند ما را از همه ماندن ها و در جا زدن ها نجات دهد. آن چیزی که بعنوان نکته کاربردی از سوره مبارکه فلق می‌توان فهمید این است که هر وقت دچار مشکل و دردسری شدیم حواسمان باشد که این‌ها نشانه‌هایی هستند که ما راه رفتن را یاد بگیریم. هیچ وقت از راه رفتن نایستیم که به حرمت سوره ی مبارکه ی فلق، توقف کردن در هر شرایطی ممنوع است. مثلا از حسد پرهیز کنیم. حسد به این معنا است که من در مسیر رشد خودم متوقف می شوم در نتیجه می خواهم دیگران هم متوقف شوند. در مسیر رشد خودمان متوقف نشویم که هیچوقت دچار حسد هم نشویم انشاءالله.

**گوینده:** این را سوره ها گفته اند که سوره فلق حکایت نشانه ها و پناه بردن به ربوبیت خداست که هیچوقت از راه رفتن نایستیم.